



"حماسه" انتخاباتی مجلس رژیم!

با وجود آنکه انتخابات فرمایشی مجلس رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در اول اسفند ماه با بی‌اعتنایی و تحریم وسیع توده‌ای و حتی بخشی از مزدوران خود حکومت مواجه شد، ماشین تبلیغاتی رژیم با تمام قوا کوشید تا با ارائه آمارهای دروغین در مورد "شرکت میلیونی" توده‌ها در این نمایشات در افکار عمومی بین المللی، برای رژیم ورشکسته و ضدخلقی خویش مشروعیت کسب کند. در همین رابطه مقامات رژیم با ادعای شرکت بیش از ۲۳ میلیون تن از مردم در انتخابات مجلس با وقاحت تمام از شرکت "حماسی" مردم در این خیمه شب بازی دم زدند. البته در فرهنگ دروغ و ریای جمهوری اسلامی، اینگونه "حماسه سازی‌ها" و ادعای

شرکت وسیع مردم در "انتخابات" امر تازه و بدیعی نیست. اما ویژگی بارز و مضحک "حماسه" اخیر حکومت و لاف و گزاف‌های سران جمهوری اسلامی در مورد شرکت "قاطع و وسیع" توده‌ها در انتخابات مجلس در شرایطی عنوان می‌گردد که اکثر خبرگزاری‌های خارجی از "خلوت" بودن حوزه‌های رأی‌گیری و کسادبازی بازار جمع‌آوری رأی توسط کارگزاران حکومت دم می‌زدند. بیهوده نبود که حتی تلویزیون حکومت هم مجبور شده بود تا برای "شلوغ" جلوه دادن حوزه‌های رأی‌گیری، برخی از تصاویر انتخابات سال‌های گذشته را به نحوی ناشیانه سر هم بندی کرده و به عنوان وقایع امسال به خورد بینندگان خود بدهد. این

تبلیغات دروغین در حالی اشاعه می‌یافت که اتفاقاً درست در شب قبل از انتخابات، هزاران تن از توده‌های محروم شهر ری در اعتراض به حکومت به خیابان‌ها ریختند و با شعارهای "توب، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد" و "شرکت در انتخابات، خیانت، خیانت" به درگیری با نیروهای سرکوبگر حکومتی پرداختند. و یا در شماری از شهرهای کردستان، مردم آگاه و به پا خاسته نه تنها در "انتخابات" شرکت نکردند بلکه با حمله به صندوق‌های رأی‌گیری، "رأی" واقعی خود یعنی خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را مستقیماً به نمایش گذاردند.

"انتخابات حماسی" مجلس در شرایطی به وقوع پیوست که که گردانندگان جمهوری اسلامی با حذف نام هزاران تن از کاندیداها نشان داده

بودند که "دمکراسی" آنها در شرایط بحرانی فعلی حتی تاب تحمل جناح‌های "خودی" نظام را هم ندارد و به این ترتیب برخی از همپالگی‌های خود را مجبور کردند که با مشاهده شدت انزجار و نفرت توده‌ها از کل نظام، با فریبکاری خود را هم رأی با مردم نشان داده و به رغم دوره‌های پیشین، انتخابات مجلس هفتم را "تحریم" نمایند. سازماندهندگان این "انتخابات" همچنین با تقلیل سن رأی از ۱۶ سال به ۱۵ سال کوشیدند تا تعداد هر چه بیشتری از افراد کم‌سن و سال را به پای صندوق‌ها کشانده و تعداد آرای اخذ شده را هر چه بیشتر جلوه دهند. اما هیچکدام از این تلاش‌ها برای رونق دادن به بساط انتخابات جمهوری اسلامی موثر نیفتاد و باعث سرافکنندگی عمومی هر چه بیشتری برای سران حکومت گشت.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

سایه مرگ بر فراز آسمان بم!

از زمان وقوع زلزله بم تاکنون ده‌ها تن در اثر فشار شرایط جهنمی موجود، دست به خودکشی زده‌اند. اینان مردم محروم و زحمتکشی بودند که حتی ابلیس مرگ بر آمده از زلزله خانمان برانداز بم را شکست داده و از آن جان بدر بردند. اما در مقابل هیولای مرگ و نیستی دیگری بنام جمهوری اسلامی تاب نیاورده و قربانی آن گشتند. این خیر دردناک و تکان‌دهنده انعکاس کوچکی از اوضاع طاقت‌فرسای بازماندگان فاجعه بم تحت حکومت جمهوری اسلامی است. به رغم گذشت ۲ ماه از زلزله خانمان برانداز بم که به

نابودی این شهر و کشته و زخمی و داغدار شدن دهها هزار تن از توده‌های محروم این شهر انجامید، بازماندگان این فاجعه در یکی از وخیم‌ترین اوضاع معاش و زیست به سر می‌برند. چنین اوضاع زیستی و عدم رسیدگی سردمداران جایتکار جمهوری اسلامی به وضع فلاکت بار حیات قربانیان زلزله، کمر آنها را هر روز بیش از گذشته در مقابل مصائب و آلام مادی و معنوی ناشی از این فاجعه خم کرده و اعتراض و نفرت آنها را برانگیخته است. تا جایی که امام جمعه بم به همپالگی‌های مزدورش در حکومت از "بی

اعتمادی" مردم به مسئولین و از احتمال "اغتشاش" آنها خبر می‌دهد.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)

تظاهرات مردم شهر ری

بعد از ظهر روز پنج‌شنبه ۳۰ بهمن، مجتمع مسکونی شهر ری شاهد تجمع اعتراضی هزاران تن از مردم منطقه بر علیه غارت‌داری‌هایشان توسط عمال غارتگر رژیم بود. این حرکت چنان وسعت گرفت که در ادامه خود به یک تظاهرات ضدحکومتی تبدیل گشت.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)



سایه مرگ بر فراز آسمان بم!

(بقیه از صفحه ۱)



اکنون قریب به دو ماه از این زلزله فاجعه بار می گذرد. اما مسئولین حکومت هنوز کوچکترین گامی در جهت تهیه حداقل مسکن مناسب برای هزاران تن از مردمی که سرپناه و کاشانه شان بر سرشان ویران گشته، بر نداشته اند. برودت شدید هوا در شب و گرمای طاقت فرسا در روز، امان بازماندگان و به ویژه کودکان را بریده است. چادرهایی که در اختیار زلزله زدگان قرار گرفته به هیچ رو جوابگوی شرایط بد آب و هوایی منطقه نیست. هنوز از آب آشامیدنی سالم، حمام و دستشویی خبری نیست و مردم مجبورند تا با گرم کردن آب در طول روز با استفاده از گرمای آفتاب حمام کنند. در این حال به علت الزامات ارتجاعی اسلامی که حکومت حامی آنهاست، شرایط فوق برای زنان بسیار طاقت فرساتر است. بسیاری از کودکان به دلیل این شرایط دائما مریض و سرما خورده اند و از تغذیه مکفی و حداقل امکانات درمانی محرومند. تمامی این نابسامانی ها در حالی جریان دارد که میزان کمک های خارجی و داخلی برای زلزله زدگان به اعتراف خود مقامات حکومت "بی سابقه" بوده است. توده های تحت ستم ما به رغم وضعیت اقتصادی وخیم خویش تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با هر آنچه در توان داشتند به کمک زلزله زدگان بم شتافتند.

اما به برکت وجود سردمداران و کارگزاران دزد و فاسد جمهوری اسلامی، بخش چشمگیری از کمک های نقدی و جنسی خارجی و داخلی از بازار سیاه سر درآورد و یا اساسا به مناطق نیازمند ارسال نگشت. برای مثال به گزارش جراید حکومتی، هزاران چادر ارسالی خارجی مجهز به دستشوئی و حمام و تهویه هنوز "باز" نشده، تماما "ناپدید" شده اند. برای آنکه عمق دناقت و ماهیت پلید و ضدمردمی جمهوری اسلامی را بهتر دریابیم کافی ست اشاره کنیم که به گفته معاون دبیر کل یونسکو تاکنون صد ها هزار دلار کمک های مالی و جنسی از سوی کشورهای شورای خلیج فارس برای صرف در بم تحویل مقامات رژیم شده است. اما به موازات انتشار این گزارشات بنا به اخبار منتشره در خود روزنامه های جمهوری اسلامی "دزدی و بچاپ، بچاپ" در بم به امری عادی و روزمره بدل گشته است. برخی از جرائد حکومتی نوشته اند "چادرهای اهدائی زلزله بم! ۴ هزار را از ۴۰ هزار کم کنید، بقیه اش کجاست؟" و یا "کمک های جمع آوری شده برای زلزله زدگان بم در انبارهای رو باز شهر تهران در حال نابودی ست". مورد دیگر قابل اشاره در این زمینه "گم شدن" ده ها دستگاه بولدوزر ارسالی از کشورهای عربی است که به منظور خاک برداری از ویرانه های بم برای مقامات حکومت در این شهر ارسال شده بود. و یا از آن عجیب تر "گم شدن" بیمارستان های مجهز صحرائی با تمامی امکانات درمانی آنها در همان روزهای اول فاجعه بود. با شناختی که از رژیم فاسد و غارتگر جمهوری اسلامی در دست است، این امر روشنی ست که دزدی هایی در این ابعاد از مزدوران و عمال کارگزار جمهوری اسلامی و وابستگان به قدرت دولتی برمی آید که حتی از حیات فلاکتبار بازماندگان بم بازاری برای سوداگری و سودجویی های خود ساخته اند.



بله! مردم ستمدیده بم علیرغم کمک های ارسالی، تحت چنین شرایط غیرقابل تحملی زندگی می کنند. شرایطی که قلب هر انسانی را بدرد می آورد و نفرت و خشمی بی پایان را بر علیه مسببان آن یعنی گردانندگان حکومت فاسد و وابسته جمهوری اسلامی بر می انگیزد. تحت چنین شرایطی ست که هر روز

تعداد بیشتری از مردم ستمدیده و بلا زده بم که طاقت این همه فشار و بی تفاوتی کارگزاران رژیم در قبال سرنوشت خویش و خانواده هایشان را ندارند، از فرط استیصال چاره ای جز خودکشی در مقابل خود نمی بینند و جان خود را به دست خود می گیرند. جرائد حکومتی از "افزایش خودکشی در میان بازماندگان زلزله بم در اثر عدم رسیدگی دولت" خبر می دهند و به این ترتیب دستان پلید رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی با گذشت هر روز از فاجعه دردناک بم، بیشتر و بیشتر به خون توده های محروم و بیگناه این شهر آلوده می گردد و دلیل دیگری را برای ضرورت سرنوشتی آن به هزاران دلیل موجود می افزاید. ■

تظاهرات مردم شهر ری

(بقیه از صفحه ۱)

در تاریخ یاد شده در ابتدا صدها تن از مردم شهر ری که میلیاردها تومان از اندوخته هایشان توسط مشتکی از مالکین مجتمع مسکونی این شهر با وعده ساخت مسکن اخاذی شده بود، در اعتراض به این وضع تجمع کردند. آنها خواستار باز پس گرفتن پول های خود شدند و در صدد تحصن در مقابل مجتمع مسکونی شهر ری برآمدند.

جمعیت معترض در ابتدا به شعار دادن بر علیه مالکین مجتمع پرداختند و بعد با آشکار شدن اینکه اختلاس کنندگان با پول های مردم محروم، هزینه های انتخاباتی ابیادی رژیم را پرداخته اند، اعتراض به یک حرکت ضددولتی بدل گشت. مقامات حکومت با وحشت از عواقب تجمع توده ها در شب انتخابات، نیروهای سرکوبگر و ارگان های ویژه خود را به محل سرازیر کرده و به درگیری با تظاهرکنندگان و ضرب و شتم آنها پرداختند. تظاهرکنندگان ضمن سر دادن شعارهای ضدحکومتی با مزدوران سرکوبگر درگیر شده و فریاد می زدند: "ملت گدائی می کند، آخوند خدایی می کند"، "شرکت در انتخابات، خیانت است خیانت"، "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد"، "خاتمی، خاتمی، ننگت باد ننگت باد".

نیروهای سرکوبگر با محاصره منطقه و جلوگیری از ورود افراد به محل تظاهرات و ضرب و شتم تظاهرکنندگان و دستگیری تعدادی از آنان پس از ساعت ها موفق به متفرق کردن تظاهر کنندگان گشتند. ■



"حماسه" انتخاباتی مجلس رژیم!

(بقیه از صفحه ۱)

بخشیدن به انتصابات است که دیکتاتوری حاکم در دستگاه اجرایی خویش برای کنترل و سرکوب توده ها و اداره نظام، سازمان داده است. در نتیجه در چنین سیستم هایی همانگونه که تجربه سالها حکومت شاه مزدور و سپس جمهوری اسلامی نشان داده است، معیار نه رأی مردم - حتی به مفهوم صوری آن - بلکه اراده قدرتمداران دستگاه حکومتی است. در چنین سیستم هایی صندوق ها اغلب به صورت آشکار و یا غیرمشهود قبل از "انتخابات" پر شده اند و به واقع انتصابات و گزینش ها از طرف آنان صورت گرفته اند. و تنها آنچه برای آنها مهم است برپایی نمایشاتی است که طی آن به جای مردم به این انتصابات جنبه قانونی داده شود و در افکار عمومی نیز از آن به مثابه وسیله ای در جهت کسب مشروعیت باصلاح قانونی استفاده گردد. "انتخابات" هفتمین دوره مجلس جمهوری اسلامی، همچون تمامی "انتخاباتی" که تحت کنترل این رژیم صورت گرفته، حقیقت فوق را به نمایش می گذارد.

"انتخاباتی" در شناسنامه هایشان حاضر شوند، نمی پردازیم. اما ذکر نمونه های فوق در مورد دستکاری ها و تقلبات جاری و معمول در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی تنها تصویر کوچکی از واقعیت آنچه که هر بار زیر عنوان "انتخابات" از سوی جمهوری اسلامی به مردم ما تحمیل می گردد را نشان می دهد.

حقیقت این است که در کشور ما یعنی در شرایط سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته، روبنای سیاسی نظام، چیزی جز اعمال مطلق یک دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهرآمیز و عریان از سوی طبقه حاکم نبوده و نیست. تحت چنین سیستمی طبیعتاً انتخابات حتی به مفهوم رایج و صوری آن در جوامع سرمایه داری متروپل که در آنها قدرت سیاسی، هر چند سال یکبار به طبقات زیر دست و تحت ستم اجازه می دهد که از بین احزاب طبقه حاکم یکی را به مدت معینی برای استعمار توده ها برگزینند، جریان ندارد. آنچه در این سیستم ها زیر نام انتخابات جاری ست همانا "فانونیت"

انتخاباتی مجلس، امسال به رغم دوره های پیشین از اعلام تعداد قطعی آراء باطله و سفید سر باز زدند، تا جایی که فاطمه حقیقت جو یکی از نمایندگان قدرت از کف داده مجلس، در جریان تنش های قدرت طلبانه بین دار و دسته های درونی حکومت با تأکید بر این مساله عنوان کرد که تعداد رأی های سفید و باطله ۱۵ در صد کل رأی های اخذ شده بوده که اگر همین آمار را هم مبنا قرار دهیم معلوم می گردد که آمار شرکت ۵۰ درصدی مردم در انتخابات اخیر به نحو وحشتناکتری سقوط می کند. ما در اینجا دیگر به عامل "ترس" و "نیاز" یعنی عواملی که در دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی همیشه تعدادی از مردم را وادار می کند که به رغم نفرت خویش از تمامی مناسبات پوسیده و فاسد جاری در پای صندوق های رأی گیری و ثبت مهر

نظرسنجی های منتشر شده توسط خود نهادهای حکومتی نظیر وزارت کشور در مقطع انتخابات نشان می داد که تنها ۴ درصد از مردم تمایل خود را به شرکت در انتخابات اعلام کرده بودند. با وجود این واقعیات، بعداً رو شد که چگونه دست اندرکاران جمهوری اسلامی برای جمع آوری رأی و روانه ساختن کاندیداهای مورد نظر خویش به مجلس از هر وسیله ای (از پخش تلفن های موبایل گرفته تا جمع آوری شناسنامه روستاییان در قبایل ارائه خدمات مجانی پزشکی به آنها، از تعبیه کردن صندوق در مراکز نظیر برخی اداره جات گرفته تا جلوگیری از خروج سربازان از پادگانها و...) استفاده کرده بودند. البته تقلبات گسترده سردمداران جمهوری اسلامی به این موارد ختم نمی گردد. مقامات حکومت برای بالا نشان دادن تعداد شرکت کنندگان در شعبه بازی



سرکوب تجمع زنان

به مناسبت ۸ مارس در تهران!

(بقیه از صفحه ۴)

اما ساعاتی قبل از شروع مراسم در بعدازظهر روز دوشنبه ۱۸ اسفند ماه، حکومت با اعزام نیروهای انتظامی و اوباش چماقدار و لباس شخصی، محوطه پارک لاله را در کنترل خود گرفت و ضمن تهدید و ارعاب صد ها تن از زنان که برخا به همراه همسران و بچه های خود به مراسم آمده بودند و ضرب و شتم حاضرین از آنان خواست که محل را ترک کنند. اما زنان تجمع کننده به مقاومت در مقابل مزدوران رژیم پرداخته و با کف زدن و سوت کشیدن به اعتراض و دادن شعار پرداختند. در برخی از این شعارها

زنان فریاد می زدند: "حقوق زن در ایران اجرا باید گردد"، "آزادی، عدالت، سکوت ما خیانت"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". آنان همچنین خواهان "لغو تبعیض جنسی"، "حمایت از دختران فراری و برچیده شدن خانه های فساد رژیم موسوم به خانه های ریجانه"، "آزادی افسانه نوروژی و کبری رحمانپور" شدند. همچنین در طول این مدت تعدادی از زنان متن ها و اشعار را از پشت بلندگو خواندند. سرانجام با فزونی گرفتن تعداد تجمع کنندگان نیروهای انتظامی به مراسم حمله کرده و وحشیانه به جان تجمع کنندگان افتادند و با دستگیری و مضروب ساختن تعدادی از زنان به زور بقیه را متفرق نمودند.



مذاکرات

"تروریست" با "شیطان بزرگ"!

با پایان انتخابات فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی و مسجل شدن تسخیر مجلس توسط باند به اصطلاح "محافظه کار"، چشم انداز تأثیرات این تحول در "سیاست خارجی" آمریکا به موضوع بحث بسیاری از جرائد و بنگاه های خبرپراکنی بدل گشته است. در همین رابطه اخیرا یکی از کارشناسان بنیاد موسوم به Camegie در کالیفرنیا آمریکا به نام "مایکل مک فال" ضمن تشریح خطوط متفاوت در دولت بوش از احتمال مذاکره و "معامله" دولت او با "محافظه کاران"، به رغم "تروریست" و "محور شر" خواندن آنها خبر داد. کارشناس مزبور در پاسخ به سوالی در مورد احتمال "کنار آمدن" دولت آمریکا با "محافظه کاران" افزود که "در دولت بوش بحثی جریان دارد. گروهی پیشبرد دمکراسی در سراسر منطقه و از جمله ایران را اولویت شماره یک آمریکا می دانند.... گروه دوم بر آن هستند که اولویت شماره یک جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای اتمی و سرکوب تروریسم است و اینها فکر می کنند آمریکا باید با هر کسی برای رسیدن به آن دو هدف معامله کند از جمله با روحانیون محافظه کار ایران."

شایان ذکر است که در ماه های اخیر مذاکرات متعددی بین نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در نقاط مختلف با هدف چگونگی توسعه روابط دیپلماتیک و شرایط آن بین این دو دولت جریان داشته است.

سرکوب تجمع زنان

به مناسبت ۸

مارس در تهران!

در سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی تجمع صلح آمیز زنان در پارک لاله تهران را وحشیانه سرکوب کرد. هجوم نیروهای دولتی به گردهمایی زنان در شرایطی به وقوع پیوست که وزارت کشور جمهوری اسلامی ظاهرا مجوز برگزاری تجمع به زنان را صادر کرده بود.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

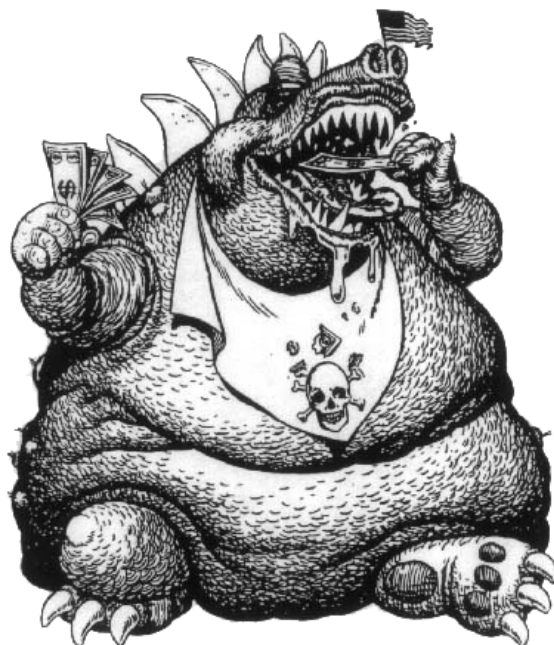
برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

عراق، بازاری "مناسب" برای انحصارات امپریالیستی



مدیر "توسعه بخش خصوصی" دولت آمریکا، Tom Foley، پس از دیدار خود از "سازمان سرمایه گذاران" VNO-NCW، در روز دوشنبه ۲۳ فوریه سال جاری، گفت: "در شرایط حاضر برای شرکت های هلندی و به خصوص شرکت های آب رسانی، موقعیت مناسبی وجود دارد که در عراق سرمایه گذاری کنند." همچنین، وی به چند کشور اروپائی نیز سفر کرده تا آنان را به سرمایه گذاری در عراق تشویق کند. بنا به گفته ی مدیر "سازمان سرمایه گذاران" علاوه بر "فیلیپس" و "شل"، سرمایه های بانکی نیز علاقه مند به سرمایه گذاری در عراق هستند.

لازم به ذکر است دولت آمریکا پس از اشغال عراق سرمایه گذاری در بخش های سود آور و به ویژه نفت را کاملا در انحصار خود گرفته و به رغم اعتراض سایر رقبای جهانخوار بین المللی خویش کوشیده تا با غارت منابع و استثمار مردم عراق از این کشور یک بازار انحصاری برای خود بسازد.

